

«زن و مطالعات خانواده»

سال دوازدهم - شماره چهل و هشتم - تابستان ۱۳۹۹

ص ص: ۵۹-۷۲

تاریخ دریافت: ۹۸/۵/۹

تاریخ پذیرش: ۹۹/۵/۱۲

نقش ادراک از سبک‌های فرزندپروری و دل‌بستگی به خدا در پیش‌بینی کنترل خشم

فریبا فرازی^۱

حمیده مظلوم^۲

چکیده

از عوامل مهم و مؤثر بر احتمال بروز رفتار خشمناک و کیفیت بروز آن، میزان و چگونگی رشد دل‌بستگی در فرد و همچنین شیوه تربیتی والدین می‌باشد. از این رو، هدف از پژوهش حاضر بررسی نقش ادراک از سبک‌های فرزندپروری و دل‌بستگی به خدا در پیش‌بینی کنترل خشم است. روش پژوهش از نوع همبستگی بود. ۱۵۰ نفر از دانش‌آموزان دختر به روش نمونه‌گیری خوشه‌ای تصادفی از مدارس متوسطه شهر بیرجند انتخاب شدند. ابزار مورد استفاده در این پژوهش پرسشنامه‌های ادراک شیوه فرزندپروری والدین (POPS)، دل‌بستگی به خدا و کنترل خشم بود. داده‌های بدست آمده با روش آماری همبستگی پیرسون و رگرسیون گام به گام از طریق نرم‌افزار SPSS 21 مورد تجزیه و تحلیل قرار گرفتند. نتایج نشان دادند که از میان سبک‌های دل‌بستگی به خدا پایگاه امن در گام اول و اعتراض به جدایی در گام دوم و همین‌طور از میان سبک‌های فرزندپروری، مهرورزی مادر در گام سوم به طور معناداری کنترل خشم دانش‌آموزان را پیش‌بینی می‌کنند. بنابراین می‌توان گفت، سبک مهرورزی مادر، پایگاه امن و اعتراض به جدایی نقش مهمی در پیش‌بینی کنترل خشم ایفا می‌کنند. لذا پیشنهاد می‌گردد که مدارس کارگاه‌هایی را جهت کنترل خشم با تأکید بر آموزش سبک‌های فرزندپروری و دل‌بستگی به خدا با حضور دانش‌آموزان و والدین آنها برگزار نمایند.

واژگان کلیدی: دل‌بستگی به خدا، سبک‌های فرزندپروری، کنترل خشم

۱. مربی، گروه روانشناسی، دانشگاه پیام نور بیرجند، بیرجند، ایران (نویسنده مسئول)

۲. کارشناسی، گروه مشاوره و راهنمایی، دانشگاه پیام نور فردوس، فردوس، ایران

مقدمه

خشم پدیده کاملاً طبیعی است و همانند دیگر احساسات انسانی نشانه سلامتی، بهزیستی و احساسات انسانی است. خشم روش اصلی بیان مشکل در رابطه است (جانگ، الفنین^۱، ۲۰۱۵) و با وجود طبیعی بودن خطرهایی نیز به همراه دارد. وقتی خشم خارج از کنترل و مخرب باشد می‌تواند به مشکلاتی در کار، روابط بین فردی و کیفیت زندگی منجر شود (انجمن روانشناسی آمریکا^۲، ۲۰۱۴). به گونه‌ای که هیجان خشم چه به صورت بیرونی و درونی اگر کنترل نشوند هر دو مضراند. برون‌ریزی خشم باعث تخریب افراد و اشیاء اطراف می‌شود و درون‌ریزی و سرکوب آن صدمات جسمانی و روانی را برای فرد به بار می‌آورد (زنگنه، ملک‌پور و عابدی، ۲۰۱۰). از جمله مشکلات عدم کنترل خشم می‌توان به از دست دادن خلق، بحث و جدل با بزرگسالان، رفتار مقابله‌ای و نادیده گرفتن قوانین در خانه یا مدرسه اشاره کرد (رینولد، ۲۰۰۱؛ در نقل از شکوهی یکتا، زمانی، محمودی، کریمی‌پور و اکبری، ۱۳۹۲).

یکی از عوامل مهم و مؤثر بر احتمال بروز رفتار خشمناک و کیفیت بروز آن، میزان و چگونگی رشد دلبستگی در فرد می‌باشد. دلبستگی به خداوند یک امر تحولی مهمی است که در طول فرایند رشد کودک شکل می‌گیرد. کرک پاتریک (۱۹۹۹) به عنوان یکی از نخستین نظریه پردازان در زمینه دلبستگی به خدا، معتقد است دلبستگی به مراقب اولیه در دوران کودکی، با گذشت زمان و در چهارچوب نظام‌های دیگر همانند دلبستگی به خدا و وطن ادامه می‌یابد. وی دو فرضیه را در ارتباط با دلبستگی به خدا فرض میکند (کرک پاتریک، ۱۹۹۷). فرضیهٔ مطابقت^۳ رابطه مستقیم بین دلبستگی ایمن به والدین و دلبستگی به خدا را نشان میدهد و فرضیه جبران^۴ مربوط به افراد دلبسته شده نا ایمن است که دلبستگی‌های ایمن را در جایی دیگر جستجو می‌کنند، در این گروه خدا می‌تواند منبع دلبستگی ایمن باشد (گرنکوویست و هیچکوئل^۵، ۲۰۰۳؛ گرنکوویست و کرک پاتریک، ۲۰۰۴). زیرا همان ویژگی‌هایی که را که سایر تکیه‌گاه‌های دلبستگی دارند او نیز دارد به گونه‌ای که به انسان آرامش و ایمنی می‌بخشد (کرک پاتریک، ۱۹۹۹؛ روات و کرک پاتریک^۶، ۲۰۰۲) و سبب می‌شود بتواند موقعیت‌های غیرقابل مهار را در اختیار خود درآورد (فونتولاکیس، سیامولی، مگیریا و کاپرینیس^۷، ۲۰۰۸).

1 Jang, Elfenbein

2 American Psychiatric Association

3 Correspondence hypothesis

4 Compensation hypothesis

5 Granqvist & Hagekull

6 Rowatt & Kirkpatrick

7 Fountoulakis, Siamouli, Magiria & Kaprinis

دلبستگی به خدا، زمانی از اهمیت بالایی برخوردار گردید که مشخص شد کیفیت آن، با سلامت روان افراد ارتباط دارد (فلانلی، گالک، الیسون کانینگ^۱، ۲۰۱۰؛ برادشو و کنت، ۲۰۱۷). تحقیقات نشان داده‌اند که دلبستگی ایمن به خدا نیز همانند روابط انسانی با پیامدهای روانی سالم همچون خوش بینی، رضایت‌مندی از زندگی و کاهش اضطراب افسردگی و بیماری‌های جسمی، تداعی می‌شود (کرک پاتریک و شاور^۲، ۱۹۹۲؛ سیم و لو^۳، ۲۰۰۳) و دلبستگی غیر ایمن به خدا منجر به سلامتی و سازگاری کمتر از حد مطلوب از جمله سلامت وجودی و مذهبی کمتر، اختلال عصبی و افزایش احساسات منفی، ارتباط دارد (بک و مک‌دونالد^۴، ۲۰۰۴؛ روات و کرک پاتریک، ۲۰۰۲) لذا دلبستگی ایمن به خدا می‌تواند نقش موثری در کنترل و مهار خشم داشته باشد. نتایج مطالعه (برادشو، الیسون، مارکیوم^۵، ۲۰۱۰) نشان داد که رابطه منفی معناداری بین دلبستگی به خدا و پریشانی روانی وجود دارد. موسوی، غباری، کریمی و رشیدی (۲۰۱۵)، نیز در پژوهش خود نشان دادند که اعتقاد به خدا و دلبستگی به خدا به طور معناداری پیش‌بینی‌کننده سلامت ذهن در دانشجویان است.

از سوی دیگر، اغلب پژوهش‌هایی که در زمینه مشکلات رفتاری مثل پرخاشگری صورت گرفته است این نتیجه را دربرداشته که مشکلات رفتاری بیشتر حاصل نحوه ارتباط والدین با کودک است تا عوامل ارثی و زیستی. در خانواده‌های مشکل‌دار و با ساختار نامناسب اغلب یک محرک استرس‌زا، مانند اعتیاد پدر، خشونت‌های فیزیکی و کلامی پدر و مادر و رابطه ناسالم اولیا با فرزندان، شیوه‌های رابطه با فرزندان و امثال آن وجود دارد که می‌تواند عامل مؤثری در پرخاشگری فرزندان باشد (آهنگرانزایی، شریفی درآمدی و فرج‌زاده، ۱۳۹۰). نتایج پژوهش هالتبرگ، موریس، سوی، هنری و کریس^۶ (۲۰۱۴)، نشان داد که حمایت والدینی^۷ به طور مثبت با رفتار اجتماعی (بصورت مستقیم و غیر مستقیم از طریق تنظیم خشم) رابطه دارد، در حالی که انضباط مجاز^۸ به طور مثبت با رفتار ضد اجتماعی (بصورت مستقیم و غیر مستقیم از طریق واکنش‌پذیری خشم) مرتبط است. نتایج پژوهش دهقانی (۱۳۸۹) نیز، نشان داد با پیروی از شیوه فرزندپروری سخت‌گیرانه میزان کنترل خشم کاهش و با پیروی از شیوه فرزندپروری مقتدرانه میزان کنترل خشم نیز افزایش می‌یابد. لذا، شیوه فرزندپروری، عاملی تعیین‌کننده و اثرگذار است که نقش مهمی را در آسیب‌شناسی روانی و رشد کودکان ایفا می‌کند. اینکه والدین کدام یک از انواع سبک‌های مختلف تربیتی

1 Flannelly, Galek, Ellison & Koenig

2. Kirkpatrick & Shaver

3. Sim & Loh

4. Beck & McDonald

5. Bradshaw, Ellison & Marcum

6. Houlberg, Morris, Cui, Henry & Criss

7. Parental support

8. permissive discipline

را در خانواده اتخاذ کنند تأثیر مهمی بر ابعاد مختلف زندگی فرد می‌گذارد. هدف همه سبک‌های فرزندپروری شکل‌دهی به شخصیت روانی فرد است (دبیری، دلاور، صرامی و فلسفی‌نژاد، ۱۳۹۱).

سبک فرزندپروری مورد تأکید در این پژوهش مبتنی بر نظریه خودتعیین‌گری است که شامل سه بعد مشارکت، حمایت از خودمختاری و مهرورزی می‌باشد. بعد «مشارکت» که به معنای توجه مثبت والدین به کودک و میزان وقتی است که برای او می‌گذارند و به طور فعال در فعالیت‌های روزانه با او مشارکت می‌کنند و از آن‌ها آگاه‌اند؛ بعد «حمایت از خودمختاری» که به معنای ارزش قائل شدن والدین به دیدگاه فرزند و استفاده آنان از فونونی است که انتخاب، خودآغازگری، تصمیم‌گیری و حل‌مسأله را در کودک تقویت می‌کند و در نهایت بعد «مهرورزی» که به معنای پاسخگو، حساس، توجه‌کننده، مشوق، استوار و صمیمی بودن والدین نسبت به فرزندانشان است (گرولینک، ۱۹۷۷؛ در نقل از هاشمی، بدری گرگری و اسماعیل‌پور، ۱۳۹۷).

در نهایت با توجه به پیشینه پژوهش، از آنجایی که مطالعات انجام شده در داخل کشور کمتر به الگوی فرزندپروری رایان و دسی^۱ (الف ۲۰۰۰، ب ۲۰۰۰) تمرکز یافته و بیشتر از الگوی فرزندپروری بامریند استفاده نموده‌اند همچنین، به لحاظ اینکه دختران از نظر روابط فرزندپروری به نسبت پسران تحت تأثیر بیشتری قرار می‌گیرند؛ بر این اساس انجام پژوهشی با این هدف که با استفاده از نظریه خودتعیین‌گری به بررسی نقش پیش‌بینی‌کننده سبک‌های فرزندپروری و دلبستگی به خدا در ارتباط با کنترل خشم بپردازد لازم و ضروری می‌نماید. بنابراین، با توجه به هدف اصلی پژوهش فرضیه اصلی پژوهش بدین شرح آزمون شد: بین سبک‌های فرزندپروری و دلبستگی به خدا با کنترل خشم رابطه معنادار وجود دارد.

روش

پژوهش حاضر از لحاظ هدف کاربردی و از نوع همبستگی می‌باشد. جامعه آماری این پژوهش دانش-آموزان دختر پایه دوم مقطع متوسطه شهر بیرجند بودند که تعداد ۱۵۰ دانش‌آموز به عنوان نمونه با روش خوشه‌ای چند مرحله‌ای انتخاب شدند. این حجم نمونه بر اساس نمونه‌های پژوهشی مشابه (فرازی، خامسان و اسدی یونسی، ۱۳۹۲؛ سلطان‌نژاد، سعدی‌پور و اسدزاده، ۱۳۹۴)، انتخاب شدند، ضمن اینکه در تحقیقات همبستگی برای هر متغیر ۳۰ آزمودنی کفایت می‌کند (سرمد، بازرگان و حجازی، ۱۳۸۹). از پرسشنامه‌های زیر جهت گردآوری داده‌ها استفاده شد.

مقیاس ادراک شیوه والدین^۲ (POPS): در سال ۱۹۹۴ توسط آر.جی رابینز^۳ و بر اساس نظریه خودتعیین‌گری تدوین شده است. نسخه کالج این مقیاس شامل ۴۲ گویه می‌باشد. در روایی که تنهای رشوانلو (۱۳۹۰)، برای این مقیاس انجام داد، گویه‌های نامناسب ۶، ۹، ۱۴، ۱۵، ۱۹، ۲۰، ۲۷ و ۳۶ بعلت

1 Ryan, Deci

2- Perception of Parents Scale

3- Robbins

قدرت تشخیص بسیار ضعیف حذف شدند. نسخه کتونی این مقیاس را ۳۰ گویه با لیکرت ۷ درجه‌ای از "در مورد من اصلاً درست نیست تا در مورد من کاملاً درست است" تشکیل می‌دهد. شیوه نمره‌گذاری برخی از سؤالات (۲، ۸، ۹، ۱۳، ۱۵، ۲۳، ۲۴، ۲۵، ۲۹ و ۳۰)، به صورت معکوس می‌باشد. دامنه نمرات نیز بین ۳۰ تا ۲۱۰ می‌باشد. در پژوهش تنهای رشوانلو و حجازی (۱۳۹۰)، ضرایب آلفای کرونباخ از ۰/۶۳ تا ۰/۸۱ برای کل نمونه؛ ۰/۶۲ تا ۰/۸۵ برای دختران و ۰/۶۵ تا ۰/۸۰ برای پسران به دست آمد. در پژوهش حاضر نیز آلفای کرونباخ برای کل مقیاس و زیر مقیاس مشارکت مادر، حمایت از خودمختاری مادر، مهرورزی مادر و مهرورزی پدر به ترتیب ۰/۸۱، ۰/۴۹، ۰/۴۱، ۰/۸۲ و ۰/۷۵ بدست آمد. سؤالات نامناسب (۳، ۱۳، ۱۴، ۱۵، ۱۶، ۲۰، ۲۳، ۲۵، ۲۷، ۲۸ و ۲۹) از طریق همین شاخص حذف شدند و به این ترتیب زیر مقیاس مشارکت و حمایت از خودمختاری پدر به دلیل آلفای بسیار پایین از تحلیل آماری کنار گذاشته شدند.

پرسش‌نامه دلبستگی به خدا: یک ابزار خودگزارش ۱۶ سؤالی است که آن را غباری بناب و کوهسار در سال ۱۳۹۰ طراحی کرده‌اند و در یک مقیاس پنج گزینه‌ای لیکرت (از کاملاً مخالف=۱ تا کاملاً موافق=۵) نمره‌گذاری می‌شود؛ بنابراین کم‌ترین و بیش‌ترین نمره آن به ترتیب برابر با ۱۶ و ۸۰ است. این پرسش‌نامه شش بعد دلبستگی معنوی را می‌سنجد؛ این شش بعد عبارت است از: جوارجویی، پناهگاه امن، پایگاه امن، اعتراض به جدایی، ادراک مثبت از خود و ادراک مثبت از خدا. اعتبار سازه این پرسشنامه نیز فاکتور عاملی تأیید شده است (پروین‌زاده، خیری و باباپور، ۲۰۱۵). آلفای کرونباخ در پژوهش غباری بناب و کوهسار (۱۳۹۰) برای زیر مقیاس‌های جوارجویی ۰/۹۰، پناهگاه امن ۰/۹۳، پایگاه امن ۰/۸۸، اعتراض به جدایی ۰/۸۶، ادراک مثبت از خدا ۰/۹۰ و ادراک مثبت از خود ۰/۸۵ گزارش شده است. در پژوهش حاضر آلفای کرونباخ برای کل مقیاس ۰/۸۲ بدست آمد.

پرسشنامه کنترل خشم: این پرسشنامه به برنامه آموزشی (Positive Adolescence) PACT (Choices Training) متعلق است که توسط حاجتی، اکبرزاده و خسروی (۱۳۸۷) ترجمه و بعد از اجرای اولیه و به دست آوردن اعتبار درونی و همبستگی آن، برای سنجش مهارت‌های کنترل خشم در مطالعه‌ای با عنوان تأثیر آموزش برنامه ترکیبی درمان شناختی رفتاری با رویکرد مثبت‌گرایی بر پیشگیری از خشم نوجوانان شهر تهران بکار برده شد. پرسشنامه استاندارد مهارت کنترل خشم ۸ سؤال دارد و نمره گذاری آن بر اساس مقیاس لیکرت است. آزمودنی‌ها باید پاسخ‌های خود را بین ۵ درجه (خیلی مخالف، مخالف، بی‌نظر، موافق، خیلی موافق) مشخص کنند. دامنه نمره از ۸ تا ۴۰ است. اعتبار و پایایی این پرسشنامه در پژوهش حاجتی، اکبرزاده و خسروی (۱۳۸۷) در یک مطالعه پایلوت روی نمونه ۵۰ نفری به دست آمد. آلفای کرونباخ برای نمونه ۵۰ نفری ۰/۶۰ و ضریب همبستگی بین دو اجرای این پرسشنامه نیز ۰/۵۸ بدست آمد که در سطح ۰/۰۵ معنادار است. در پژوهش حاضر آلفای کرونباخ برای کل مقیاس ۰/۶۲ بدست آمد.

یافته‌ها

این مطالعه بر روی ۱۵۰ نفر از دانش‌آموزان دوم دبیرستان در سال تحصیلی ۹۴-۹۵ شهر بیرجند انجام شد. برای پی بردن به وضعیت توصیفی متغیرهای پژوهش از میانگین و انحراف معیار و برای بررسی فرضیه اصلی این مطالعه (بین سبک‌های فرزندپروری و دلبستگی به خدا با کنترل خشم رابطه معنادار وجود دارد) از ضریب همبستگی پیرسون استفاده شد که نتایج آن در جدول ۱ گزارش شده است. مطابق با جدول زیر، از میان سبک‌های دلبستگی به خدا بین پناهگاه امن ($p < .05$) و پایگاه امن و اعتراض ($p < .01$) به صورت مثبت با کنترل خشم رابطه معنادار وجود دارد. همچنین از میان سبک‌های فرزندپروری بین مهرورزی مادر با کنترل خشم به صورت مثبت رابطه معنادار وجود دارد ($p < .05$).

جدول ۱- میانگین، انحراف معیار و ماتریس همبستگی متغیرهای پژوهش

متغیر	میانگین	SD	۱	۲	۳	۴	۵	۶	۷	۸	۹	۱۰	۱۱
کنترل خشم	۳/۹۴	۰/۴۷	۱										
جوارجویی	۴/۲۴	۰/۷۷	۰/۱۱	۱									
پناهگاه امن	۴/۳۸	۰/۶۸	*۰/۱۶	**۰/۴۴	۱								
پایگاه امن	۴/۳۸	۰/۹۸	**۰/۲۳	۰/۰۵	۰/۱۱	۱							
اعتراض	۴/۲۹	۰/۷۶	**۰/۲۳	**۰/۴۱	**۰/۵۰	۰/۰۶	۱						
ادراک خود	۳/۸۸	۰/۸۵	۰/۰۶	**۰/۳۶	۰/۱۵	۰/۰۳	**۰/۴۰	۱					
ادراک خدا	۴/۴۸	۰/۸۰	۰/۱۳	**۰/۲۴	**۰/۴۴	۰/۰۰۷	**۰/۳۳	**۰/۲۱	۱				
مشارکت مادر	۲/۷۸	۱/۴۸	۰/۰۰۱	۰/۰۰۹	۰/۰۶	۰/۰۴	۰/۰۰۹	۰/۰۵	۰/۰۳	۱			
حمایت از خودمختاری مادر	۴/۵۹	۱/۳۳	۰/۰۹	**۰/۲۳	*۰/۲۰	**۰/۳۴	*۰/۱۹	۰/۰۴	۰/۰۷	۰/۰۲	۱		
مهرورزی مادر	۵/۳۸	۱/۲۸	*۰/۱۹	۰/۱۰	۰/۰۴	۰/۰۰۸	۰/۰۰۸	۰/۰۶	۰/۰۶	۰/۰۶	۰/۰۶	۱	
مهرورزی پدر	۵/۲۷	۱/۱۱	۰/۱۵	۰/۱۰	۰/۰۷	۰/۰۳	۰/۰۰۱	۰/۰۲	۰/۰۷	۰/۰۷	**۰/۲۲	**۰/۲۲	۱

* $p < .05$, ** $p < .01$

به منظور مشخص کردن قوی‌ترین متغیرها برای پیش‌بینی کنترل خشم از روش رگرسیون چندگانه به شیوه گام به گام استفاده شد. نتایج این تحلیل در جدول ۲ نشان داد که در گام اول متغیر پایگاه امن ۰/۰۵ درصد از واریانس کنترل خشم را پیش‌بینی می‌کند ($f=7/98$, $df=148$, $p < 0/005$). در گام دوم این تحلیل متغیر اعتراض به عنوان دیگر متغیر قوی پس از متغیر پایگاه امن وارد معادله پیش‌بینی کنترل خشم شد که با اضافه شدن آن قدرت پیش‌بینی (در گام دوم بوسیله پایگاه امن و اعتراض) به ۱۰ درصد افزایش یافت ($f=7/89$, $df=148$, $p < 0/001$). در سومین گام متغیر مهرورزی مادر به عنوان دیگر متغیر قوی پس از متغیر پایگاه امن و اعتراض وارد معادله پیش‌بینی کنترل خشم شد که با اضافه شدن آن قدرت پیش‌بینی به ۱۳ درصد افزایش یافت ($f=7/04$, $df=148$, $p < 0/001$).

جدول ۲- نتایج تحلیل رگرسیون گام به گام نیازهای خانوادگی و انگیزش شغلی با فشار روانی شغلی

الگو	گام‌ها	متغیرهای پیش بین	R	R ² تغییر	ضریب F	df	Sig	Beta	T	Sig
ط م ط	۱	پایگاه امن	۰/۲۳	۰/۰۵	۷/۹۷۷	۱۴۸	۰/۰۰۵	۰/۲۲۶	۲/۸۲	۰/۰۰۵
	۲	پایگاه امن	۰/۳۱	۰/۱۰	۷/۸۸۵	۱۴۸	۰/۰۰۱	۰/۲۱۴	۲/۷۳۱	۰/۰۰۷
		اعتراض						۰/۳۱۴	۲/۷۲۸	۰/۰۰۷
	۳	پایگاه امن	۰/۳۶	۰/۱۳	۷/۰۳۵	۱۴۸	۰/۰۰۱	۰/۲۰۸	۲/۶۷۷	۰/۰۰۸
		اعتراض						۰/۲۰۸	۲/۶۸۹	۰/۰۰۸
		مهرورزی مادر						۰/۱۷۲	۲/۲۱۷	۰/۰۲۸

بحث و نتیجه گیری

پژوهش حاضر با هدف بررسی رابطه بین سبک‌های فرزندپروری و دلبستگی به خدا با کنترل خشم انجام شد. نتایج تحلیل رگرسیون نشان داد که از میان سبک‌های دلبستگی به خدا، پایگاه امن در گام اول و اعتراض به جدایی در گام دوم و همینطور از میان سبک‌های فرزندپروری، مهرورزی مادر در گام سوم به طور معناداری کنترل خشم دانش‌آموزان را پیش‌بینی می‌کنند.

با توجه به یافته بدست آمده در گام اول رگرسیون، پایگاه امن به صورت مثبت کنترل خشم را پیش‌بینی می‌کند. در واقع، افرادی که از پایگاه امنی برخوردار هستند بر این اعتقادند که چون خداوند با من است می‌توانم جرأت مواجهه با مسائل و مشکلات را داشته باشم. از دیدگاه روان‌شناسی خدا به عنوان موضوع دلبستگی به انسان آرامش و ایمنی می‌بخشد و سبب می‌شود بتواند موقعیت‌های مهارنشده را در اختیار خود درآورد (مالک‌زاده، ۲۰۱۵).

در همین ارتباط، کرک پاتریک (۱۹۹۴) بر این باور است موقعیت‌های ناگوار از جمله جنگ، از دست دادن عزیز، طلاق یا ترس از بیماری‌های جدی و مشکلات ارتباطی نظام دلبستگی را فعال می‌کند و در این قبیل موقعیت‌ها اکثر افراد دعا می‌خوانند و به سوی خدا بر می‌گردند همچنین، فرد با اعتقاد به این که خدا اساس ایمنی است، احساس قدرت می‌کند و اعتماد به نفس او هنگام اضطراب و ترس افزایش می‌یابد. این احساس ایمنی به آرامش روانی فرد منجر می‌شود و وی را برای مقابله با مشکلات و چالش‌های زندگی آماده می‌کند. بنابراین ایمنی همانند پادزهری در برابر ترس و اضطراب است. لذا، افراد به هنگام مواجهه با مشکلات متعدد به جای پرخاشگری خشم خود را کنترل می‌کنند. همچنانکه، یافته‌های تحقیق پروین‌زاده، خیری و باباپور (۲۰۱۵) نشان داد اعتماد به خدا و دلبستگی به خدا، عوامل مهمی در آسیب‌پذیری هستند به طوری که می‌توانند صبر و ایمنی را برای آسیب‌پذیری در برابر مشکلات زندگی افزایش دهند.

همچنین یافته‌های پژوهش نشان داد اعتراض به جدایی در دومین گام پیش‌بینی کننده قدرتمندی برای کنترل خشم است. یافته بدست آمده همسو با نتایج تحقیق پروین‌زاده، خیری و باباپور (۲۰۱۵)، جناب‌آبادی و سابقی (۱۳۹۳) و هزاری و شهابی‌زاده (۱۳۹۲) می‌باشد. افرادی که در این مؤلفه از دلبستگی به خدا نمره بالایی می‌گیرند، در مواقعی عدم حضور خداوند در زندگی خود را احساس می‌کنند و زمانی که احساس می‌کنند خداوند از زندگی‌شان غایب است احساس ناراحتی و نگرانی می‌کنند. اصولاً، در دلبستگی-های انسانی، تهدید جدایی، موجب اضطراب در شخص و فقدان چهره دلبستگی، باعث غم و اندوه شخص دلبسته می‌شود. اگرچه جدایی از خدا نیز موجب اضطراب و فقدان او موجب غم و اندوه می‌شود اما خداوند «فراگیر» است و همه جا وجود دارد. بنابراین فرد نمی‌تواند همانطور که از یک چهره دلبستگی انسانی جدامی شود یا او را از دست می‌دهد از خدا نیز جدا شده یا او را از دست دهد؛ زیرا خدا یک موضوع دلبستگی مطلق است که به هنگام نیاز همیشه در دسترس است (کرک پاتریک، ۱۹۹۴).

از همین روی، افرادی که دلبستگی ایمن به خدا دارند برای خود ارزش قائل هستند و می‌دانند که خداوند با وجود اشتباهاتشان آنان را دوست دارد. الگوی درونی که از خدا دارند خدای پذیرنده، در دسترس، کمک‌کننده و جواب‌دهنده به خواست‌ها و دعا‌های آنان است (کرک پاتریک، ۲۰۰۴؛ در نقل از بیطرفان، کاظمی و یوسفی، ۱۳۹۶). بنابراین، افراد هرگاه احساس کنند که خداوند از آنها دور است احساس اضطراب و نگرانی می‌کنند و با نماز، دعا، نیایش و اعمال صالحه او را به سوی خود فرا می‌خوانند. رفتارهای مذهبی نظیر نماز خواندن، صداقت، اعتماد به خداوند یا خواندن کتاب‌های مذهبی می‌تواند با ایجاد امید و تشویق در جهت دیدگاه مثبت نسبت به شرایط موجود و بیرون کشیدن فرد از یک بحران مایوس‌کننده که بر روی آن تسلط چندانی هم ندارد، سبب ایجاد یک نوع آرامش درونی گردد (جناب‌آبادی و سابقی، ۱۳۹۳) و لذا منجر به کنترل خشم در مواقع بحرانی شود.

علاوه بر این، یافته‌های پژوهش نشان داد مهرورزی مادر در سومین گام توان تبیین واریانس مربوط به کنترل خشم را بصورت مثبت دارا می‌باشد. یافته بدست آمده از این پژوهش همسو با یافته‌های دهقانی (۱۳۹۸) و تنهای رشوانلو و حجازی (۱۳۹۰)، می‌باشد. در جهت تبیین این یافته می‌توان گفت، گرمی و محبت والدین منبعی است که به کودکان کمک می‌کند در محیط خود جست و جو کنند و از این رهگذر به احساس ایمنی، اعتماد و جهت‌گیری مثبت نسبت به دیگران دست یابند. پذیرش از طریق والدین شرط لازم برای ایجاد رفتارهای خاص مانند عزت نفس بالا است. همانطور که نتایج پژوهش تنهای رشوانلو و حجازی (۱۳۹۰) نشان داد وقتی والدین حامی خودمختاری، درگیر (مشارکت) و گرم (مهرورز) هستند فرزندان‌شان سطوح بالایی از عزت نفس را نشان خواهند داد. لذا، با توجه به اینکه احساس تهدید عزت نفس نیز از عوامل بروز خشم است می‌توان به اهمیت نقش سبک‌های فرزندپروری در میزان کنترل خشم پی برد (پلگرینا، گارسیا و کاسانوا، ۲۰۰۳؛ در نقل از سلطان‌نژاد، سعدی‌پور و اسدزاده، ۱۳۹۴)

در همین راستا، گرولینک، دسی و رایان^۱ (۱۹۹۷) نیز معتقدند که افراد نیاز دارند به والدین خود احساس تعلق نمایند و در روابط خود با آنان احساس امنیت کنند. بر این اساس والدینی که به نیازهای فرزندان خود حساس بوده و رفتار گرم و صمیمی توأم با تشویق نسبت به آنان داشته باشند، با ایجاد امنیت خاطر، نیاز به تعلق را در آنان ارضاء خواهند کرد. لذا والدینی که از این ویژگی برخوردارند، با ایجاد محیطی گرم و صمیمی و ایمن فرزندان خود را طوری تربیت می‌کنند که بتوانند در شرایط بحرانی هیجانات منفی مثل خشم خود را کنترل کنند. در مجموع می‌توان اینگونه نتیجه‌گیری کرد که در پژوهش حاضر نقش متغیرهای سبک‌های فرزندپروری مبتنی بر نظریه خودتعیین‌گری و دلبستگی به خدا به صورت مثبت، به عنوان عوامل مؤثر در کنترل خشم تأیید شد. این نتایج دارای تلویحات کاربردی برای متخصصان، روانشناسان و مشاوران مدرسه است و می‌توانند جهت آموزش دانش‌آموزان و والدین‌شان کارگاه‌های تخصصی برگزار کنند. به لحاظ محدودیت از آنجا که گروه نمونه محدود به دختران پایه یازدهم بود لذا بهتر است در تعمیم نتایج جانب احتیاط را رعایت نمود.

منابع

- آهنگرانزایی، احد؛ شریفی درآمدی، پرویز و فرج‌زاده، رباب (۱۳۹۰). رابطه سبک‌های فرزندپروری والدین با پرخاشگری نوجوانان شهرستان شبستر. مجله پژوهش‌های علوم شناختی و رفتاری، ۱(۱): ۸-۱.
- بیطرفان، لیلا؛ کاظمی، محمود و یوسفی افراشته، مجید (۱۳۹۶). رابطه سبک‌های دلبستگی به خدا و تاب‌آوری با اضطراب مرگ در سالمندان. سالمند، ۱۲(۴): ۴۴۹-۴۵۷.
- تنهای‌رشوانلو، فرهاد و حجازی، الهه (۱۳۹۰). درگیری، حمایت از خودمختاری و گرمی پدر و مادر: پیش‌بینی‌کننده‌های عزت نفس نوجوانان، مجله علوم رفتاری، ۴(۵)، ۳۴۳-۳۵۰.
- جنابآبادی، حسین و سابقی، فرامری (۱۳۹۳). رابطه دلبستگی به خدا با معناداری زندگی والدین کودکان کم‌توان ذهنی شهر زاهدان. دو ماهنامه طلوع بهداشت، ۱۳(۲): ۹۹-۱۱۲.
- حاجتی، فرشته؛ اکبرزاده، نسرين و خسروی، زهره (۱۳۸۷). تأثیر آموزش برنامه ترکیبی درمان شناختی رفتاری با رویکرد مثبت‌گرایی بر پیشگیری از خشونت نوجوانان شهر تهران. مطالعات روان‌شناختی، ۴(۳): ۳۵-۳۸.
- دیبری، سولماز؛ دلاور، علی؛ صرامی، غلامرضا و فلسفی‌نژاد، محمدرضا (۱۳۹۱). تدوین مدل روابط سبک‌های فرزندپروری، شخصیت، عزت نفس و شادکامی: الگوی تحلیل مسیر. فصلنامه خانواده‌پژوهی، ۸(۳۰)، ۱۴۱-۱۵۹.
- دهقانی، طیبه (۱۳۸۹). رابطه شیوه فرزندپروری والدین با میزان خشم و سطح سازگاری نوجوانان. پایان‌نامه منتشر نشده کارشناسی ارشد. دانشگاه تربیت مدرس، دانشکده علوم انسانی، گروه روانشناسی.

سرمد، زهره؛ بازرگان، عباس و حجازی، الهه (۱۳۸۹). روش‌های تحقیق در علوم رفتاری. تهران: آگاه. سلطان‌نژاد، سمیه؛ سعدی‌پور، اسماعیل و اسدزاده، حسن (۱۳۹۴). رابطه سبک‌های فرزندپروری ادراک شده با اهمال‌کاری و خودناتوان‌سازی. فصلنامه روانشناسی تربیتی، ۱۱(۳۸): ۱-۲۲.

شکوهی یکتا، محسن؛ زمانی، نیره، محمودی، مریم؛ کریمی‌پور، جواد و اکبری، سعید (۱۳۹۲). تأثیر مداخلات شناختی-رفتاری بر کنترل خشم دانش‌آموزان دبیرستانی. روانشناسی بالینی و شخصیت، ۲۱(۱۱): ۶۱-۷۰.

غباری بناب، باقر و حدادی کوهسار، علی‌اکبر (۱۳۹۰). دل‌بستگی به خدا در بافت فرهنگ اسلامی: پایه‌های نظری، ساخت و رواسازی ابزار اندازه‌گیری. روش‌ها و مدل‌های روان‌شناختی، ۱(۴): ۸۱-۱۰۶. فرازی، فریبا؛ خامسان، احمد و اسدی یونسی، محمدرضا (۱۳۹۲). رابطه ادراک از سبک‌های فرزندپروری با ابعاد کمال‌گرایی دانش‌آموزان دختر شهر بیرجند. فصلنامه خانواده‌پژوهی، ۹(۳۶): ۴۳۹-۳۵۰.

هاشمی، تورج؛ بدری گرگری، رحیم و اسماعیل‌پور، فاروق (۱۳۹۷). نقش سبک‌های فرزند پروری ادراک شده و اختلال شخصیت مرزی در قلدری سایبری: نقش میانجی همدلی. محله روانشناسی و روان‌پزشکی شناخت، ۵(۲)، ۸۱-۹۲.

هزاری، قاسم و شهابی‌زاده، فاطمه (۱۳۹۲). دل‌بستگی ادراک شده دوران کودکی با میانجی‌گری دل‌بستگی به خدا، ارائه مدل علی مهار و کنترل خشم. تحقیقات روانشناختی، ۱۸، ۲۷-۳۸.

Ahangareanzabi, A., Sharifidramadi, P., & Farajzadeh, R. (2011). The Relationship between parenting style and adolescents aggression in Shabestar City. *Journal of Researches Cognitive and Behavioral Sciences* 1(1), 1-8.

American Psychiatric Association (APA). *Advance in Anger management* 2014 [updated 2015; cited 2014]. Available from: <http://apa.org/>.

Beck, R., & McDonald, A. (2004). Attachment to God: The Attachment to God Inventory, Tests of Working Model Correspondence, and An Exploration of Faith Group Differences. *Journal of Psychology and Theology*, 32, No. 2, 92-103.

Bitarafan, L., Kazemi, M., & Yousefi Afrashte, M. (2018). Relationship Between Styles of Attachment to God and Death Anxiety Resilience in the Elderly, *Iranian Journal of Ageing*, 12(4), 446-457.

Bradshaw, M., Ellison, C. G., & Marcum, J. P. (2010). Attachment to God, image of God, and psychological distress in a nationwide sample of

presbyteryans. The international journal for the psychology of the psychology of religion, v20, 130- 147.

Bradshaw M, Kent BV. (2017). Prayer, attachment to God, and changes in psychological wellbeing in later life. *Journal of aging and health*; 0898264316688116.

Dabiri, S., Delavar, A, Sarami, G., & Falsafi Nejad, M. (2012). Formulating Relationships Model of Parenting Styles, Personality, Self-Esteem and Happiness: Path Analysis Model. *Journal of Family Research*, 8(2), 141-159.

Dehghani, T. (2010). Relationship between parental parenting style with anger level and adolescent adjustment level. Unpublished Master's Thesis. Tarbiat Modares University, Faculty of Humanities, Department of Psychology.

Farazi., F., Khamesan, A., & Asadi Yoonesi, M. R (2014). The Relationship Between Perceived Parenting Styles and Dimensions of Perfectionism in Female Students. *Journal of Family Research*, 9(4), 439-450.

Flannelly KJ, Galek K, Ellison CG, Koenig HG. (2010). Beliefs about God, psychiatric symptoms, and evolutionary psychiatry. *Journal of Religion and Health*; 49(2):246-61.

Fountoulakis, K,N. Siamouli, M. Magiria & S. Kaprinis, G. (2008). Late-Life depression, religiosity, cerebral vascular disease. Cognitive impairment and attitudes towards death in the elderly: Interpreting the data. *Medical hypotheses*, 70, 493-496

Ghobari, B., & Haddadi Koohsar, A. A. (2010). Attachment to God in the Context of Islamic Culture: Theoretical Foundation and Development of a Scale. *Journal Management System*, 1(4), 81-106.

Granqvist, P., & Hagekull, B. (2003). Longitudinal Predictions of Religious Change in Adolescence: Contributions From The Interaction of Attachment and Relationship Status. *Journal of Social and Personal Relationships*, 20, 793–817.

Granqvist, P., & Kirkpatrick, L. A. (2004). Religious Conversion and Perceived Childhood Attachment: A Meta-Analysis. *International Journal for the Psychology of Religion*, 14, 223-250.

Grolnick, W., Deci, EL, & Ryan, R. (1997). Internalization Within Family: The Self- Determination Theory. In Gruse JE, Kaczynski L. *Parenting and Childrens Internalization of Values: A Handbook of Contemporary Theory*. New York: Willey Press.

Hajati, F., Akbarzadeh, N., & Khosravi, Z. (2008). The Effect of Combined Program of Cognitive-Behavioral Therapy on the Prevention of Violence in Teens in Tehran. *Psychological studies*, 4(3), 35-56.

Hashemi, T., Badri, R., & Esmaeilpour, F. (2018). The role of perceived parenting styles and borderline personality disorder in cyberbullying: role mediator of empathy. *Shenakht Journal of Psychology and Psychiatry*, 5(2), 81-92.

Hezari, Ch., & Shahabizadeh, F. (2014). Perceived childhood attachment with the mediating of attachment to God, causal anger control model. *Psychological Research Quarterly*, 18, 27-38.

Houlberg, B. J., Morris, A. S., Cui, C., Henry, C. S., & Criss, M. M. (2014). The Role of Youth Anger in Explaining Links Between Parenting and Early Adolescent Prosocial and Antisocial Behavior. *Journal of Early Adolescence*, 16, 1-20.

Jang D, Elfenbein HA. (2015). Emotion, perception and expression of. In: Wright JD, editor. *International Encyclopaedia of the Social & Behavioral Sciences* 2 ed. Cambridge, MA, USA: Elsevier, 483-9.

Jenaabadi, H., & Sabeg,i F. (2014). Relationship between attachment to God and meaningful life parents of mentally retarded children in Zahedan city. *The Journal of Toloo-e-behdasht*, 13(2), 99-111.

Kirkpatrick LA. (1994). The role of attachment in religious belief and behavior. *Advances in personal relationship*; 5, 239- 56.

Kirkpatrick, L.A. (1999). Attachment and religious representations and behavior. In J. Cassidy & P. R. Shaver (Eds.), *Handbook of attachment: Theory, research, and clinic*

Kirkpatrick, L. A, (1997). An attachment-theory approach to the psychology of religion. *International Journal for The Psychology of Religion*, 2(1), 3-28.

Kirkpatrick, L. A., & Shaver, P. R., (1992). An Attachment Theoretical Approach to Romantic Love and Religious Belief. *Personality and Social Psychology Bulletin*, 18(3), 266-275.

Malekzadeh A. The Relationship between Self-Esteem, Attachment Quality and Aggression in Adolescents from Single-Child and Multi-child Families. *Applied Psychology*. 2015;3(13):51-9.(Full Text in Persian)

Mousavi FS, Bonab BG, Karimi JP, Rashidi M. The Role of Trusting in God in Predicting Mental Health of Tehran University Students. *Health, Spirituality and Medical Ethics*. 2015;1(4):1-15.(Full Text in Persian)

Parvinzadeh Leilan MP, Kheiri Y, Babapour J. (2015). Relationship between Attachment to God and Trust with Psychological Vulnerability of Students with Mediating on Patience. *International Research Journal of Applied and Basic Sciences*; 9(9):1568-73.

Rowatt, W.C., & Kirkpatrick, L.A. (2002). Two dimensions of attachment to God and their relation to affect, religiosity, and personality constructs. *Journal for the Scientific Study of Religion*, 41(4), 637-651.

Ryan R, Deci E. (2000a). Self-determination theory and facilitation of intrinsic motivation, social development, and well-being. *Am psycho*, 55(1), 68-78.

Ryan R, Deci E. (2000b). Intrinsic and extrinsic motivation: Classic definition and new directions. *Contemp Educ Psychol*, 25, 54 -67.

Sim, T. N., & Loh, B. S. M. (2003). Attachment to God: Measurement and Dynamics. *Journal of Social and Personal Relationships*, 20(3), 373-389.

Shokoohi yekta, M., Zamani, N., Mahmoudi, M., Pourkarimi, J., & Akbari Zardkhane, S. (2015). Surveying the Impact of Cognitive -behavioral

Intervention on High School Students' Control of Anger. *Clinical Psy. & Personality*, 2(11), 61-70.

Soltannejad, S., Sa'dipour, E., & Asadzadeh, H. (2016). Relationship among Perceived Parenting Styles, Procrastination and Self-Handicapping. *Educational Psychology*, 11(38), 1-22.

Tanhaye Reshvanloo, F., & Hejazi, E. (2012). The Role of Maternal and Paternal Involvement, Autonomy Support and Warmth on Adolescents' Self-Determined Motivation and Academic Achievement. *Journal of Family Research*, 8(1), 67-82.

Zanganeh, S., Malekpour, M. & Abedi, M. R. (2010). Impact on the control of maternal aggression and anger management skills in deaf elementary school students. *Social Psychology*, 5, 81-94(Persian).

The role of perception of parenting styles and attachment to God in anticipation of anger control

fariba farazi
hamideh mazloum

Abstract

One of the important and effective factors on the possibility of anger and its quality, the rate and nature of attachment development in the person as well as the parenting style. therefore, the aim of the present research is to investigate the role of perception of parenting styles and attachment to God with anger control. Using a correlational method. 150 female students through a multi stage cluster method were selected. Scales of perception of parenting styles (POPS), attachment to God, and anger control were applied to evaluate the research variables. Data were analyzed by Pearson correlation and stepwise regression using SPSS 21 software. The results showed that, among the attachment styles to God, the safe base in the first step and the protest to separation in the second step, as well as the parenting styles, the mother's Warmth in the third step significantly predicted student anger control. Therefore, it can be said, the mother's Warmth, the safe base and protest to separation play an important role in anticipating anger control. Therefore, it is suggested that schools organize workshops to control anger with emphasis on teaching parenting styles and attaching to God in the presence of students and their parents.

Keywords: anger control, Attachment to God, Parenting Styles